

پنج‌شنبه ۵ تیر ۱۴۰۴ - ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۶

گزارش یک مهساگرپندی

در روزهای دود گرفته، گویی زمان مکت کرده‌بود.

تائیه‌ها آرام نمی‌گذاشتند و دل‌ها بی‌قرار بود. تجاوز ۱۲ روزه رژیم غاصب با تمام هیاهوی بی‌رحمش، از پیش از آن، تنها صدای خنده کودکان در آنها می‌پیچید؛ برخی سازه‌ها که با سال‌ها ز حمت و عشق پنا شده بودند، خاکستر می‌شد و جای خالی دلاروانی که در راه حفظ وطن، جان دادند، چون زخمی تازه، بر تن جمعی‌مان می‌نشست. در کشاکش تمام این تلخی‌ها، اما شاهد اتفاقاتی بودیم که نگرانی‌های بی‌حس‌مان را تبدیل به امید و دلخوشی می‌کرد؛ اینکه در این روزهای سخت، دست از حمایت یکدیگر برنداشتیم و همین، وحشت را بر جان دشمن متجاوز انداخت. طی ۱۲ روز گذشته مردم تمام دلخوری‌ها و اختلاف‌نظرهای خود را به دست فراموشی سپرده و هر کس به نوبه خود سعی در آرام کردن و برداشتن باری از دوش دیگری داشتند؛ اتفاقاتی که نشان داد سرنوشت جنگ را تنها نظامیان و تجهیزات و تسلیحات تعیین نمی‌کنند، سرنوشت جنگ را عاشقانی تعیین می‌کنند که در عین ترس از شنیدن صداهای مهیب، از دادن لیوان آب به دست هموطن خود دریغ نمی‌کنند. همان‌ها که تا دیروز قیمت خانه‌هایشان را و جیبی حساب می‌کردند، در طول ۱۲ روز گذشته نه فقط خانه‌های مازاد، که خانه‌ای را که در آن زندگی می‌کردند، در اختیار ملت گذاشتند و از یشقلایی که خود غذا می‌خوردند، سهمی را برای هموطن‌شان در نظر گرفتند.

البته بودند افرادی که بی‌توجه به شرایط سخت ملت، تنها به سود خود می‌اندیشیدند و با توجه به نیاز مردم، اجناس‌شان را با چندبرابر قیمت عرضه می‌کردند. بی‌شک نمی‌توان این عده قلیل را نادیده گرفت، اما در بین تمام بی‌انصافی‌ها که در زمان جنگ دیده شد، اغلب مردم سعی داشتند به اشکال مختلف دردی از یکدیگر دوا کنند و این تحسین‌برانگیز و غرورآفرین بود.

رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد با سوءاستفاده از برخی اختلافات مردم با دولت و حکومت بر سر کمبودها، می‌تواند قدرت تجاوز و وحشیانه‌اش را دوجندان کند، اما به وضوح دید، آنهایی که تا دیروز به دلیل اختلاف سلیقه برای یکدیگر شاخ و شانه می‌کشیدند، چنان دست اتحاد به هم دادند که هیچ کسند این‌ها را نتوانست انسجام و ایستادگی آنها را داشته باشد.

■ **خانه‌هایی که سنگر شدند**

در روزهای که صدای پافندها و حملات متجاوزانه رژیم صهیونیستی، خواب را از چشمان بسیاری روده بود، صدایی دیگر آرامش را رزمه می‌کرد؛ صدای درهایی که بی‌چشمداشت روی مردم شونده می‌شد. در میانه رنج و ترس، موجی از آگهی‌های مردمی در فضای مجازی و رسانه‌های محلی منتشر شد؛ خانه‌هایی که نه فقط سقف، که امنیت و امید را عرضه می‌کردند.

از شمالی‌ترین کوهپایه‌ها تا دشت‌های گرم جنوب، برخی بی‌فنا نوشتند: «من می‌زبانم» هیچ‌کس هم نپرسید چه کسی می‌آید؛ مهم این بود که کسی جایی برای ماندن نداشت. در آن لحظه تنها این صدا شنیده می‌شد: «نگران هیچ چیز نباش، خانم‌ام را خانه خودت بدان».

گزارش ۲ زهراچپدری

حمله دهم‌شانه صهیونیست‌ها به کشورمان تاکنون ۶۰۶ شهید بر جای گذاشته که ۹۵ درصد آن زنان و مردان و کودکان هستند که زیر آوارها جان خودشان را از دست داده و به به‌شهادت رسیدند. شهدایی که تقریباً همگی غیرنظامی بودند و در حملات پهلپاد و موشکی رژیم صهیونیستی جانانشان را از دست دادند. از کودک دو ماهه تا مادران باردار در میان این شهدا دیده‌ی شوند. همچنان که وحوش اسرائیلی چندین تن از دانشمندان هسته‌ای کشورمان را هم در ادامه ترور دانشمندان هسته‌ای برای مقابله با دانش و رشد علوم و فناوری‌های هسته‌ای در کشورمان به شهادت رساندند.

فارغ از بیش ۶۰۰ شهید و بیش از ۵ هزار مصدوم، حملات دهم‌شانه صهیونیست‌ها به آمبولانس و مراکز امداد، سانی و آسیب به بیمارستان‌ها در کشورمان موجب شد بیماران و افراد زیادی دچار آسیب شوند و سطح خدمات وارد شده به آنها گسترش یابد. همچنان که حمله به سایت‌ها هسته‌ای کشورمان که در خدمت اهداف صلح‌آمیزی همچون تهیه و تولید رادیو‌ارو برای درمان بیماران سرطانی بودند هم روند دسترسی این بیماران را به دارو و درمان مختل کرده‌است.

■ **۶۰۶ شهید و بیش از ۵ هزار مجروح**

۱۲ روز جنگ تحمیلی ا سوی اسرائیل به کشورمان آن هم در میانه مذاکرات غیر مستقیم با امریکا، خسارات زیادی را به مردم کشورمان وارد کرد و موجب شهادت و مصدومیت بسیاری از هم و وطنمان شد، آن هم در شرایطی که صهیونیست‌ها ادعا می‌کردند با غیرنظامیان کاری ندارند، اما فارغ از شهادت فرامانده ارشد نظامی و سربازان از رزمندگان وطن، قربانیان اصلی این جنگ تاکنون غیرنظامیان بودند.

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۴۰۲۳۸۸۵

همدلی و اتحاد ایرانیان در جنگ و پس از جنگ، وحشت را به جان دشمن متجاوز انداخت

دل همه ایرانیان به اندازه وطن بزرگ شد

در طول جنگ ۱۲ روزه خانواده‌ها، جمعیت‌ها و دولت، اقدامات حمایتی ماندگاری انجام دادند



محمدهدی مافیایوان

یکی از این آگهی‌ها، متعلق به زنی میانسال در سنجند بود: «تا وقتی آتش اجاقم روشن است، هیچ کس نباید بیرون بماند.» او در جواب به این سؤال که پس خودش چطور روزگار می‌گذراند، گفت: «غذای ساده من و پسرم دو نفره است، اما دل آدم که بزرگ باشد، سفره هم بزرگ می‌شود».

در برخی روستاها در جای‌جای کشور، برخی سالان‌های کوچک محلی و حتی انبارهای خالی و تمیز شده‌شان را به پناهگاه تبدیل کردند. در یکی از محله‌های تبریز، اهالی آنجا، خانواده‌های تازه‌رسیده را به خانه‌هایی می‌پردند که شماره‌گذاری کرده بودند. یک مرد جوان گفت: «اینجا هر خانه را تبدیل به یک پناهگاه می‌کردیم، ما همه یک خانواده هستیم و در این روزهای سخت باید هوای همدیگر را داشته باشیم.» بی‌تردید در جهانی که مرزها، آدم‌ها را از هم جدا می‌کنند، این مردم به خوبی نشان دادند که دل‌هایشان هیچ مرزی نمی‌شناسد.

■ **جوشش انسانیت در گرمای خرداد**

از همان روز اول جنگ تحمیلی، تعداد زیادی از ماشین‌ها به سمت پمپ‌های بنزین هجوم آوردند؛ ترس از تصادم بصران و نیاز به خروج احتمالی، صف‌هایی کیلومتری را شکل داد. در ماشین‌هایی که ساعت‌ها در گرمای سوزان خرداد روی اسفالت داغ بی‌حرکت ایستاده بودند، مردان، زنان و کودکان حضور داشتند که می‌شد شدت تشنگی‌شان را احساس زد. در اینجا نیز نشانه‌هایی از دلگرمی و همدلی به چشم می‌آمد. پدر و دختری نوجوان، با یخدان کوچکی در دست، در سکوت و آرامش، کنار ماشین‌ها می‌ایستادند و آب تعارف می‌کردند. آنها در لیوان‌های یک‌بار مصرف، آب خنک می‌ریختند و با لب‌خندی بی‌ادعا می‌گفتند: «نگران نباشید، این روز به خیر و خوشی می‌گذرد.»

راندته‌ها که بعد از یک ساعت، هنوز از جایش تکان

روزنامه جوان | شماره ۳۳۸۲

می‌شد؛ به‌دست همان همسایه‌ای که شب قبل جای داغ برای خانم مسن طبقه سوم برده‌بود. یکی از همسایه‌ها که معلم بازنشسته بود، بچه‌های کوچک مجتمع را هر روز در حیاط جمع می‌کرد. برایشان قصه می‌خواند، بازی‌هایی با سنگ و چوب یادشان می‌داد تا خیاالشان از صدای دور و نزدیک ببب راحت شود. او می‌گفت: «بچه نباید جنگ را با ترس به یاد بیاورد، بلکه باید با خنده خودش جنگ را شرمند کند»

خانم جوانی نیز که تازه مادر شده‌بود، می‌گفت: «اگر امشب دوباره صدایی بیاید، دیگه نمی‌ترسم. چون بلافاصله صدای تلفن خانه را می‌شوم؛ یکی از همسایه‌هایمان با حرف‌هایش آرامم می‌کند و مدام می‌پرسد چیزی کم ندارم».

این مجتمع مسکونی دیگر فقط یک چهاردیواری نبود. دیوارهایش گوش داشتند به درد دل، چشم بودند به اشک و دهان بودند برای دعا و دلنداری. جایی که ساکنینش فهمیدند برای ساختن وطن، گاهی کافی است فقط همسایه خوبی باشی.

■ **هواداری دولت از ملت**

در این روزها، دولت هم تمام‌قد پسای کار آمد و تنها نظاره‌گر نبود. از نخستین ساعات جنگ ۱۲ روزه، مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی، امنیتی و روانی اجرا شد تا مردم بدانند تنها نیستند و پشت‌شان، دولتی ایستاده که نه فقط در سخن، که در عمل، همراه‌شان است.

روزهای

در روزهایی که صدای پدافندها و حملات متجاوزانه رژیم صهیونیستی، خواب را از چشمان بسیاری روده بود، صدایی دیگر آرامش را رزمه می‌کرد؛ صدای درهایی که بی‌چشمداشت روی مردم گشوده می‌شد. در میانه رنج و ترس، موجی از آگهی‌های مردمی در فضای مجازی و رسانه‌های محلی منتشر شد؛ خانه‌هایی که نه فقط سقف، که امنیت و امید را عرضه می‌کردند

در روزهای حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی، خدمات شهری توسط شهر داری‌ها، بدون وقفه ادامه داشت. حتی در مناطقی که زیر ساخت‌ها آسیب دیده‌بود، برق اضطراری، آب رسانی سیار و جمع‌آوری پسماند با سرعتی مثال‌زدنی انجام شد. یکی از کارکنان خدمات شهری تهران گفت: «ما هم خانواده داریم، اما وقتی مردم در اینجا حضور دارند، وظیفه‌مان است که شهر را سرپا نگه داریم.» از طرفی، شهردار پایتخت اعلام کرد که نه تنها خدمات شهری متوقف نشد، بلکه انگیزه‌ها برای خدمت‌رسانی بیشتر شد: «دشمن فکر می‌کرد با حذف برخی افراد، ساختار ایران متزلزل می‌شود، اما ایران قوی‌تر از قبل ظاهر شد».

رسانه‌های رسمی و محلی نیز، با هماهنگی نهادهای دولتی، فضای روانی جامعه را مدیریت کردند. پیام‌های امیدبخش، گزارش‌های میدانی از همدلی مردم و اطلاع‌رسانی شفاف درباره وضعیت کالاهای اساسی، مانع از شکل‌گیری موج‌های ترس و احتکار شد.

شاید مهم‌ترین حمایت دولت، حفظ انسجام ملی بود. در روزهایی که دشمن روی شکاف‌های داخلی حساب باز کرده‌بود، دولت با تکیه بر وحدت مردم، نه تنها از هم‌نپاشید، بلکه به نقطه اتکایی برای ملت تبدیل شد. همان‌طور که یکی از مقامات گفت: «اگر دشمن دوباره خیال تجاوز کند، پاسخ مردم و نیروهای مسلح کوبنده‌تر از گذشته خواهد بود».

گرفته‌است. این اقدام با هدف تداوم خدمات پزشکی شدیم برای حفظ جان بیماران سه بیمارستان در معرض خطر را تخلیه کنیم، افزود: «مطابق تجارب جنگ هفت ساله و همه‌گیری کرونا سه حلقه اولویت تریاز برای رسیدگی به وضعیت مجروحان جنگ پیش‌بینی شدیمود که خوشبختانه با مدیریت خوب رؤسای دانشگاه‌ها و علوم پزشکی و مراکز بهداشتی و درمانی کشور و همه همکاران کادر سلامت به نحو مطلوب انجام شد.»

وی حادثه انفجار در میدان قدس تهران و همزمان ترکینن لوله آب را در این ناحیه مثال زد و تأکید کرد: «کادر سلامت بیمارستان شهدای تجرش با حضور در میدان قدس در مدت یک ساعت ۵۰ مجروح حادثه را به بیمارستان منتقل کردند. همچنین در بیمارستان شهید مدنی البرز شاهد بودیم که طی دو ساعت تمام مجروحانی که به این مرکز منتقل شده‌بودند، مورد پذیرش و رسیدگی قرار گرفتند.»

■ **بستن مسیر پر تواروهای بیماران سرطانی**
تهاجم صهیونیست‌ها به کشورمان اما با اختلال در پروازها در زمینه تأمین برخی داروها هم اختلالی رایج‌ا کرد. به گفته محسن ساغری، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس سابق انجمن علمی پزشکی هسته‌ای ایران روند تأمین برخی پر تواروهای مورد نیاز در حوزه پزشکی هسته‌ای با مشکل موقت مواجه شده‌است. این داروها که نقش حیاتی در تشخیص و درمان بیماری‌ها دارند، بخشی از آنها به صورت هفتگی از خارج کشور وارد می‌شود؛ با توجه به توقف پروازها، خللی در ارائه خدمات درمانی به بیماران ایجاد شده‌است. در ارائه خدمات درمانی به بیماران ایجاد شده‌است. وی درباره راهکار مواجهه با این شرایط به مهر گفت: «تدابیر لازم برای رفع این مشکل در دستور کار قرار چنین تجاوازی شوند»

ایران

حسن فرامرزی

گنج‌های مستور ایران در جنگ

پیروزی ما در این جنگ – تا این لحظه – مرون عوامل متعددی است که می‌توان آن را در دو گروه – عوامل «مربی و آشکار» و «نامرئی یا پنهان» – دسته‌بندی کرد. به نظر می‌رسد هر دوی این عوامل به یک اندازه در پیروزی ما نقش ایفا می‌کنند، حتی شاید بتوان با در نظر گرفتن پارهای

ملاحظات بنیادین، وزن بیشتری به عوامل پنهان داد.

اما عوامل مرئی بیشتر معطوف به تجهیزات، تاکتیک‌های نظامی، دیپلماسی و تصمیمات پشتیبانی است که دولت و نهادهای حاکمیتی در جهت امنیت بخشیدن به فضای روانی جامعه انجام می‌دهند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که مثلاً کالاهای اساسی به وفور در فروشگاه‌ها موجود باشد یا زیرساخت‌های خدماتی همچنان قابل دسترس برای عامه مردم باقی بماند یا در کمترین زمان ممکن، بازسازی شود و در اختیار بدنه اجتماعی قرار گیرد.

رسانه‌ها معمولاً در شرایط جنگ در قالب آمار، اطلاعات، خبر و گزارش بیشتر روی عوامل مرئی سرمایه‌گذاری می‌کنند که البته در جای خود لازم و ضروری است. اینکه ما در جریان جنگ ۱۲ روزه، تصاویر اصابت دقیق و سهمگین انواع موشک‌ها و پهپادهای ایران را به اهداف نظامی، امنیتی و بعضاً زیرساخت‌های حیاتی این رژیم را در صفحه تلویزیون و گوشی‌های همراه خود می‌دیدیم، مایه افتخار و مباهات ملی ما بود و نوعی امنیت ذهنی و روانی به جامعه تزریق می‌کرد تا افکار عمومی متوجه باشند که ایران در سطحی بالا به قدرت بازدارندگی نظامی رسیده است.

با این همه، رسانه‌ها معمولاً در ایام جنگ، کمتر به عوامل پنهان یا نامرئی در روحیه بخشیدن به افکار عمومی و حرکت در جهت انسجام اجتماعی می‌پردازند، اما جارداد که تحلیلگران و برنامه‌ریزان به این عوامل توجه کنند و نقش مهم آن در ایجاد وحدت ملی واقع باشند. فرض کنید شما در همین دو هفته‌ای که از جنگ می‌گذرد پائتان را از خانه بیرون می‌گذاشتید و با این صحنه مواجه می‌شدید: سطل‌های پسماند شهری سر کوچه تخلیه نشده‌اند و مردم مجبور شده‌اند به اندازه دو برابر حجم این سطل ها، زباله‌ها خود را کنار سطل‌هایکینند. منظره‌ای شتمنز کننده شکل گرفته است. صدای وزر مگس‌ها و حشرات و بوی تغفن زباله‌ها برای اهالی محل بسیار آزاردهنده است و ذهن آنها را به موازات آنچه در صحنه جنگ می‌گذرد، آشفته‌تر می‌کند. شاید ما شهروندان در طول جنگ، کمتر به این موضوع اندیشیده‌ایم که اگر چه جنگ شده‌است، اما اتفاقاً دین یک شهر تمیز و جا‌روژه در روحیه ما بسیار اثر گذار است. وقتی وسط جنگ در یک شهر تمیز قدم می‌زنیم خواه ناخواه انگار شهر به ما می‌گوید آرام‌باش، اتفاق مهمی نیفتاده‌است، اگر هم چیزی برای آزار آمده‌است آن خرابی‌ها جبران خواهد شد. این قدرت نظم و نظافت است. شاید در نگاه اول، اثر جاروی یک پاکبان در نیمه‌های شب یک بیماران چندان به چشم نیاید، حتی ممکن است منطقی به نظر نرسد. حالا چه فرقی می‌کند که آن مساحت از پیاده‌رو با خیابان در روزهای آتش و خون پاک شود یا نه؟ شاید در نگاه اول، شادابی باغچه‌ها و گل‌های بلوار، نشاط فضای سبز و بوستان‌های شهر و نقش آن در بالابردن روحیه اجتماعی به چشم نیاید، اما خواندخواه این شادابی، هم معنای واقعی خود را در بر می‌گیرد و هم معنای استعاری خود را باز می‌یابد، انگار که گل‌ها می‌گویند ما حال‌مان خوب است، نگران نباشید. همچنان که در جنگ تحمیلی هشت ساله ایران، نخل‌های ایستاده جنوب، حتی نخل‌های بی سر وسط آتش و خون، معنای استعاری خود را باز می‌یافتند و به نمادی از ایستادگی شهدا و رزمندگان در برابر تجاوز دشمنان بدل می‌شدند.

پس ضروری است چتر نگاه ما در روایت ظفر به سمت همه حساسه‌ا فرین‌ها کشوده شود، هر اندازه که ما بتوانیم با نگاهی جامع‌الاطراف و چشمانی باز و بی‌غبار به حماسه‌ا فرین‌ها در هر پیرهن، دلیلی وموقعیتی که باشند، بنگریم، اولاً پنهان‌های آن حماسه را تثبیت خواهیم کرد و در ثانی با تجلیلی که از حماسه‌ا فرین‌های مستور خواهیم داشت، بنیان‌های رشد عزت ملی را بیش از پیش به همه ابعاد و وجوه زندگی گسترش خواهیم داد.

چند روز پیش، اظهارات یک کارآفرین برجسته و کارخانه‌دار اصفهانی را در شبکه‌های اجتماعی می‌دیدم که اشک را بر چشمان من و احتمالاً بسیاری از مخاطبان این کلیپ نشاند. آن کارآفرین در میان جمعی از جوانان مشتاق به سرمایه‌گذاری در اساتر تپا‌ها و شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان صحبت را به اینجا کشاند که گفت به جان امیرالمؤمنین، به جان امیرالمؤمنین، به جان امیرالمؤمنین... و دیگر نتوانست سخن بگوید. بغض کرد و گریست و وقتی آرام شد گفت من سه بار به جان امیرالمؤمنین قسم خوردم که بگویم حاضرم همه مالم و بیشتر از آن جانم را در راه ایران بدهم، حاضرم من بنامم و ایران باشد، خبر پرسش این است که آیا سخنان این کارآفرین و انرژی اجتماعی وسیعی که به واسطه این سخنان تولید می‌شود، به موازات یک زردخانه غنی نظامی در پیش‌در اهداف جنگ نقش ایفا نمی‌کند؟

این روزها خیلی از افراد صرفاً با خون‌سردی و روحیه‌بالای خود نوانسته‌اند بی‌آنکه حتی رجز بخوانند یا باینیه‌ای صادر کنند یا ردی از آنها در جایی دیده‌شود، به همسایه‌های خود روحیه بدهند. خون‌سردی یک پیرزن در گوشه‌ای از شهر ممکن است جلوی مهاجرت یک جوان را بگیرد و او را به فکر واداشته‌باشد. همسایه‌ای هراسان و آشفته به همسایه خود رجوع موقعیت از عهده تراپیست‌های حرف‌های هم نبریناید.

در هر حال، خاک ایران، معدن گنج‌های آشکار و مستور است. به قول حافظ، حکم ازل اینگونه است که بسیاری از ذخایر و گنجینه‌های ایران در پرده بماند، اما آنها به وقت خود به آن وظیفه و مسئولیتی که حق بر گردن آنها نهاده‌است، عمل خواهند کرد.

در کار گلاب و گل، حکم ازل این بود

کاین شاهد بازاری را و پند نه‌شنین باشد

قضائی

آزادی ۵۰۰ زندانی تا سومین روز هفته قوه قضائیه فقط در ۱۰ استان

از آغاز هفته قوه‌قضائیه تا روز گذشته (سوم تیر)، با تلاش مجموعه‌های مختلف قوه قضائیه فقط در ۱۰ استان ۴۶۷ زندانی آزاد شده‌اند. با وجود مشکلات موجود، تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا برنامه‌ریزی‌های قبلی برای آزادی زندانیان واجد شرایط به مناسبت گرامیداشت هفته قوه قضائیه اجرا شود. دادگستری‌های سراسر کشور با کمک ادارات کل زندان‌ها و ستاد‌های دیه، برنامه‌های مربوطه را به آزادی حدود ۵۰۰ زندانی واجد شرایط و بازگشت آنها به آغوش خانواده‌هایشان شده‌است.

همزمان با آغاز هفته قوه قضائیه و در راستای سیاست‌های حمایتی و ارفاقی این نهاد، شمار قابل توجهی از زندانیان واجد شرایط در سراسر کشور آزاد و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند. این آزادی‌ها که اگرچه در حد دانه که تاکنون در برخی از استان‌ها، این برنامه‌ها منجر به آزادی حدود ۵۰۰ زندانی واجد شرایط و بازگشت آنها به آغوش خانواده‌هایشان شده‌است.

همزمان با آغاز هفته قوه قضائیه و در راستای سیاست‌های حمایتی و ارفاقی این نهاد، شمار قابل توجهی از زندانیان واجد شرایط در سراسر کشور آزاد و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند. این آزادی‌ها که اگرچه در حد دانه که تاکنون در برخی از استان‌ها، این برنامه‌ها منجر به آزادی حدود ۵۰۰ زندانی واجد شرایط و بازگشت آنها به آغوش خانواده‌هایشان شده‌است.

همزمان با آغاز هفته قوه قضائیه و در راستای سیاست‌های حمایتی و ارفاقی این نهاد، شمار قابل توجهی از زندانیان واجد شرایط در سراسر کشور آزاد و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند. این آزادی‌ها که اگرچه در حد دانه که تاکنون در برخی از استان‌ها، این برنامه‌ها منجر به آزادی حدود ۵۰۰ زندانی واجد شرایط و بازگشت آنها به آغوش خانواده‌هایشان شده‌است.